

دوشنبه 30 شهریور 2 شوال 21 سپتامبر

قوم عاد، مردمی در سرزمین "احقاف"، میان یمن و عمان بودند که در آن جا به خاطر وفور نعمت، از حال و روز خوشی برخوردار بودند ...

**هلاکت قوم عاد**

قوم عاد، مردمی در سرزمین "احقاف"، میان یمن و عمان بودند که در آن جا به خاطر وفور نعمت، از حال و روز خوشی برخوردار بودند و به خاطر رفاه زندگی و جهل عمومی مردم، به تدریج روش بت پرستی و گریز از توحید و خداپرستی در پیش گرفتند و فسق و فجور غوطه ور شدند و ظالمین و زورگویان آنان، به محرومان و مستضعفان ستم می کردند. خداوند متعال برای هدایت آن ها، حضرت "هود(ع)" را از میان آنان به پیامبری برانگیخت. [و إِلَی عَادٍ آخَاهُمْ هُودًا، قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ...]

هود، برای هدایت قوم خویش، تلاش بلیغی به عمل آورد و در این راه، سختی ها و آزارهای فراوانی متحمل شد ولیکن جز عده ای اندک، گفتارش را تصدیق و اندرزهایش را باور نکردند و در مقابل، وی را از خود طرد نمودند.

قوم عاد، بجای پذیرش مواعظ خیرخواهانه هود(ع) و گرایش به خداپرستی و رها کردن جهالت و بت پرستی، به تکذیب این پیامبر الهی پرداخته و هر روز وی را مورد استهزا و اذیت و آزار خویش قرار دادند، تا این که ابر سیاهی بر آسمان آنان آشکار شد و بی خردان این قوم، گفتند: از این ابر، بارانی نافع و سودمند خواهد بارید، ولی هود(ع) به آن ها گفت: این ابر، ابر رحمت نیست بلکه غضب و عذاب است.

ساعاتی نگذشت که صدق گفتار هود(ع) آشکار گردید و باد تنیدی وزیدن گرفت و شدت آن چنان بود، که اسباب و اثاثیه، حتی چهارپایان آنان را با نیروی شگرفی از زمین می کند و به نقاط دور دستی پرتاب می کرد.

هفت شب و هشت روز، وزیدن این باد ادامه داشت و در این مدت، طوفان شدید، ریک ها و شن های بیابان را بر سر مردم و خانه هایشان می پاشید و تمامی آن ها را به هلاکت رسانید و به جز عده ای از اصحاب و یاران هود(ع)، که به همراه وی در جای امنی، پناه گرفته بودند، کسی از آن قوم باقی نماند.

پس از آن ماجرا، حضرت هود(ع) به سرزمین "حضر موت" رفت و بقیه عمر خویش را در آن جا گذراند.

درباره تاریخ وقوع این حادثه عظیم، مورخان اتفاق نظر دارند، که در ماه شوال واقع گردیده است ولی در روز وقوع آن اختلاف دارند، برخی اول ماه شوال و برخی دیگر سی ام شوال را ذکر کرده اند.

آن هایی که اول شوال را اختیار کرده اند، هفته اول شوال را "بردالعجوز" نامیدند. علت این نامگذاری آن است که عجوزی در این ایام به خانه ای که در زیر زمین داشت، پنهان شده بود و از طوفان ریک و شن در امان بود، تا این که روز ششم، طوفان به خانه وی نیز سرایت کرد و او را نیز به هلاکت رسانید.

تولد سید محمد مهدی بحرالعلوم در سال 1155 هجری قمری

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت: پیش از پگاه اول شوال (عید فطر) سال 1155 هجری قمری در شب جمعه چشم به جهان گشود پدر ارجمندش می گوید: در آن شب که ولادت فرزندم مهدی بود، در عالم رؤیا امام هشتم (علیه السلام) را دیدم که شمع بزرگی را به شاگردش محمد بن اسماعیل بن بزیع می دهد محمد آن شمع را بر فراز بام منزل ما برده و روشن می کند ناگهان نور آن شمع تا آسمان بالا رفته و دنیا را فرا می گیرد آری شمعی که توسط امام رضا (علیه السلام) افروخته شود، باید نورش جهان را روشن سازد و جهانیان را فرا بگیرد.

تحصیلات: بحرالعلوم مقدمات نحو و صرف و ادبیات و منطق و فقه و اصول را با کوششی بی نظیر نزد پدر خود و سایر فضلا و دانشمندان، در مدتی کمتر از چهار سال فرا گرفت، در اوایل بلوغ به درس خارج پدر خود، و همچنین از محضر بزرگان استفاده شایانی برد و پس از پنج سال درس و بحث فشرده و عمیق و طی مرحله سطح، به درجه اجتهاد عالیہ نائل آمد و از اساتید بزرگ خود اجازه اجتهاد گرفت.

پس از کربلا به نجف مهاجرت کرد و در مرکز بزرگ دانش های اسلامی، به بحث و تحقیق پرداخت و در مدتی کم که هنوز سنش از 30 سال تجاوز نکرده بود، ارشاد و رهبری مسلمانان را بر عهده گرفت.

اساتید: سید مهدی بحرالعلوم از محضر بزرگانی چون: پدر ارجمندش، استاد کل، وحیدبهبهانی، شیخ یوسف بحرانی صاحب

حدائق و سید محمد مهدی اصفهانی کسب علم نموده است. شاگردان: علما و دانشمندان بسیاری از محضر درس ایشان استفاده کرده و به مقامات والائی رسیده اند که نام برخی از آنان را می آوریم:

- 1 - شیخ جعفر کاشف الغطا.
 - 2 - سید محمد جواد عاملی، صاحب موسوعه فقهی مفتاح الکرامه .
 - 3 - شیخ محمد تقی اصفهانی، صاحب حاشیه بر معالم.
 - 4 - شیخ احمد نراقی، صاحب مستند الشیعة فی احکام الشریعة.
 - 5 - شیخ ابوعلی حائری، مؤلف کتاب منتهی المقال.
 - 6 - شیخ اسدالله تستری، نویسنده کتاب المقابیس.
 - 7 - شیخ محمد علی زینی عاملی نجفی.
 - 8 - سید میر علی طباطبائی، صاحب الریاض.
 - 9 - مولی محمد شفیع استرآبادی.
 - 10 - شیخ حسین نجف.
 - 11 - شیخ شمس الدین بن جمال الدین بهبهانی.
- تألیفات: بحرالعلوم دارای تألیفات ارزنده ای در علوم مختلفه می باشد که چند نمونه از آنها ذکر می شود.
- 1 - مصابیح، کتابی ارزنده در فقه (در عبادات و معاملات).
 - 2 - الدرة النجفیة، منظومه ای در فقه، مشتمل بر دو هزار بیت شعر.
 - 3 - مشکاة الهدایه.
 - 4 - الفوائد الاصولیه.
 - 5 - حاشیه علی طهارة شرائع المحقق الحلی.
 - 6 - الفوائد الرجالیة پیرامون علم شامخ رجال.
 - 7 - رساله فی الفرق و الملل.
 - 8 - تحفة الکلام فی تاریخ مکه و بیت الله الحرام.
 - 9 - شرح باب الحقیقة و المجاز.
 - 10 - قواعد احکام الشکوک.
 - 11 - الدرة البهیة فی نظم بعض المسائل الاصولیه.
 - 12 - دیوان شعری که دارای بیش از یک هزار بیت می باشد.

گفتار بزرگان: استادش وحید بهبهانی در ستایش او می گوید: عزیز ترین و گرامی ترین فرزندانم، پژوهشگر و محقق بزرگ، فرزند روحانی من، دانشمند مطلع و با هوش، عالم با تقوا، سید نجیب محمد مهدی.

محقق خوانساری و سید حسین در اجازه ای که به او داده اند، متذکر می شوند که ایشان مجتهد در فروع و اصول و مقتدای خاص و عام و یگانه روزگار می باشد.

صاحب منتهی المقال می نویسد: رهبر دینی وارسته ای که دوران مانند او را سراغ ندارد، و شخصیتی که روزگار از آوردن نظیر او، عقیم مانده است سید دانشمندان و عالمان، و ولی فاضلان، علا مه دهر و یگانه عصر، کسی که اگر در معقول سخن گوید، می پندارم شیخ الرئیس ابوعلی سینا است، و اگر در منقول بحث کند، بگویم این علا مه و محقق است که در فروع و اصول بحث می کند، و اگر در کلام مناظره کند، نخواهم گفت، جز اینکه او به خدا سید مرتضی (علم الهدی) است، و اگر قرآن را تفسیر کند و به او گوش فرا دهم، حیرت زده خواهم گفت: گویا خدا قرآن را بر او نازل کرده است که این چنین از رموز و اسرار آن آگاه است.

در ستایش و مدح او سخنها بسیار و نوشته ها بی شمار است، چرا که او در عین اینکه دانشمندی بزرگ بود، در زهد و عبادت نیز نظیری نداشت و با تمام وجود در خدمت بندگان خدا بود.

خصوصیات اخلاقی: بحرالعلوم دارای اخلاق پسندیده انسانی و پیامبر گونه بود تواضع و فروتنی او زبانزد خاص و عام، و عطوفت و مهربانی او نسبت به بینوایان و مستمندان، در بالاترین حد ممکن خود بود، کم سخن می گفت، سکوتش از حرف زدنش بیشتر بود، اگر سخنی به زبان می آورد با ذکر خدا همراه بود، هنگام راه رفتن هیبت و وقار خاصی داشت هیچ گاه به پشت سر خود یا به اطراف خود نگاه نمی کرد، مگر در حال ضرورت.

صبحها را همواره در بحث و تدریس و قضاوت بین مردم، و شبها را در مطالعه و تحقیق می گذراند و پس از اندکی خواب و استراحت، برای عبادت و مناجات به درگاه خداوند خود را کاملاً آماده می ساخت و برخی از کتب رجال در احوال آن بزرگوار نوشته اند که: گاهی سؤالاتی از امام می کرد و به نحوی که ما نمی دانیم، پاسخ در یافت می نمود.

نوشته اند شبی شاگرد بر جسته اش سید محمد جواد عاملی (صاحب مفتاح الکرامه) را فرا خوانده، او را توبیخ و سرزنش نمود مرحوم عاملی دلیل نگرانی استادش را پرسید، استاد در پاسخ گفت: یکی از برادران مسلمان که همسایه شما است، تهدیدست است او هر شب خرمای بد و ارزان قیمتی از بقال می گرفت و بچه های خود را با آن سیر می کرد امروز رفته است از بقال خرما بگیرد، بقال از دادن خرما امتناع ورزیده است، زیرا بدهکاری های آن بیچاره زیاد شده بود و امشب او و بچه

هایش بی شام مانده اند سید جواد عاملی از آقا معذرت خواهی می کند و پوزش می طلبد. بحرالعلوم در پاسخ او می گوید : معلوم است بی اطلاع بوده ای، چون اگر با علم به حال آن بیچاره شام می خوردی و به او اعتنا نمی کردی، کافر بودی، ولی آنچه مرا نگران و ناراحت کرده است، این است که تو چرا از برادر مسلمانیت خبر نداشته ای ؟ باید از حال برادرانت جستجو کنی و آنان را دریابی.

در هر حال سید، سینی بزرگی پر از غذا با مقداری پول به آقای عاملی داد و از او خواست که به منزل آن برادر مؤمن برود و با هم شام بخورند و این پول را هم به او بپردازد تا قرض های خود را ادا کند، و خود همچنان منتظر ماند و شام تناول نکرد تا اینکه آقای عاملی بر گشت و به او خبر داد که غذا را با همسایه اش تناول کرده و پول را هم به او رسانده است، و جالب اینجاست که انعام بحرالعلوم درست به اندازه قرض ها و دیون آن مؤمن بوده است.

لقب :اما اینکه چرا به او بحرالعلوم گفته اند، مورخین نقل کرده اند که سید مهدی به عنوان دانشجو برای استفاده از محضر درس فیلسوف بزرگ، میرزا سید محمد مهدی اصفهانی به خراسان سفر کرد مدت 6 سال در آنجا اقامت گزید و بالاترین بهره ها را از استاد خود گرفت میرزا اصفهانی که از هوش سرشار شاگردش شگفت زده شده بود، روزی در اثنای درس خطاب به او گفت : انما انت بحرالعلوم (براستی تو دریای دانشی) و از آن لحظه سید به این لقب مشهور شد و امروز خانواده بحرالعلوم از خانواده های معروف و مشهور نجف اشرف می باشند و چهره های شاخصی در علم و عمل در بین آنان وجود دارد.

خاندان:سید مرتضی طباطبائی بروجردی(ره) که از علما و مراجع کربلا بود، دارای دو فرزند می باشد، یکی سید جواد که جد مرحوم آیه الله العظمی بروجردی (ره) است، و دیگری، سید محمد مهدی بحرالعلوم هر دو از بزرگان فقها و علمای اسلامی می باشند.

زعامت و مرجعیت :سید بحرالعلوم پس از وفات استادش وحید بهبهانی (قدس سره)، رهبری و زعامت و مرجعیت شیعه را به دست گرفت و برای اینکه بتواند به مسائل اجتماعی و مشکلات گوناگون و فراوان امت اسلام رسیدگی نماید و نظامی به حوزه های علمیه بدهد، تمام اوقات خود را برای این کار وقف نمود و با کمال اخلاص و جدیت مشغول خدمت شد و از شخصیت های برجسته ای که معاصر او بودند، دعوت به عمل آورد، شاگرد بزرگوارش شیخ جعفر کاشف الغطا(ره) را برای فتوی و پاسخ به احکام شرعی تعیین نمود.

و همچنین شیخ حسین نجفی(ره) را که از علمای مقدس و پارسای نجف اشرف بود، به عنوان امام جماعت در مهم ترین و مشخص ترین مسجد نصب نمود و شیخ شریف الدین محی الدین را برای قضاوت و حل و فصل دعاوی مردم گماشت و خود بار سنگین تدریس و مشکلات حوزه و اداره امور مردم را بر دوش گرفت.

وفات :او سرانجام در ماه رجب سال 1212 هجری قمری، در سن 57 سالگی، جهان فانی را وداع و ندای حق را لبیک گفت و به سوی محبوب خود شتافت جسد او را کنار قبر شیخ طوسی(ره) در مسجد طوسی به خاک سپردند که امروزه این مقبره به اسم مقبره الطوسی و بحرالعلوم معروف است.

رحلت آیت الله محمد رضا محقق تهرانی در سال 1291 هجری قمری

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت :حاج شیخ محمد رضا محقق تهرانی - فرزند مرحوم آقا حسین کرمانی و پدر بزرگوار شهید علی محقق - یکی از دانشمندان بنام و از مجتهدین معاصر تهران بوده که در سال 1291 شمسی در تهران متولد شده است.

تحصیلات :ایشان مقدمات و ادبیات را در قم خواند و پس از آن به مشهد مشرف شده و دروس نهایی را از آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت الله حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج شیخ حسن پائین خیابانی استفاده و تکمیل نموده در دروس خارج آقا محمد آقازاده کفایی و آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی شرکت نموده و دروس معارف را از مرحوم آیت الله میرزا محمد مهدی غروی اصفهانی استفاده کردند. پس از جریان مسجد گوهرشاد در سال 1314 شمسی و تبعید آیات عظام خراسان و تعطیلی حوزه علمیه مشهد ناچار به تهران برگشته و از محضر مرحوم آیت الله آقا میرزا محمدعلی شاه آبادی بهره مند شده و سپس به قم آمده و از محضر آیات ثلاثه قم آیت الله حجت و آیت الله خوانساری و آیت الله صدر استفاده نموده و به تهران آمده و مدتی اقامت و پس از ورود آیت الله العظمی بروجردی باز به قم برگشته و مدت نه سال تمام به اتفاق باجنابش مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد جواد خندق آبادی (سعیدمحمدی) به درس خارج معظم له شرکت و استفاده نمودند.

تدریس :معظم له به مشهد مقدس عزیمت و در مدت دو سال توقف؛ به تدریس پرداخته و پس از آن به تهران بازگشته و در مدرسه مروی به تدریس فقه و اصول مشغول شده تا در سال 1358 شمسی که به علتی دروس را تعطیل و به تألیف موسوعه (کتاب هفتاد جلدی) حقایق الفقه در شری شرایع الاسلام پرداختند و تاکنون حدود پنجاه جلد از آن به زیور طبع آراسته گشته است.

ایشان در مسجد خندق آباد واقع در خیابان مولوی اقامه جماعت می نمودند. وی خیلی نگران این بوده است که مبدا عمرش برای ادامه تالیفات کفاف ندهد. لذا برای صرفه جویی در وقت حتی در بین نمازهای جماعتی که در مسجد برپا می نمودند مشغول تألیف کتاب می شدند. حدود 20 جلد باقی مانده هنوز چاپ نشده است .

وفات:ایشان در سال 1373 ه ق در روز اول شوال (عید فطر) پس از جمع آوری و رسیدگی به امور فطریه های نمازگزاران نزدیک ظهر به لقای حق شتافت. مقبره ایشان در صحن مطهر حضرت معصومه واقع در روبروی مقبره آیت الله حاج شیخ محمد جواد

خندق آبادی و آیت الله شیخ فضل الله نوری می باشد.

هلاکت «عمرو عاص» در سال 42 هجری قمری

«عمرو عاص» از سرسخت‌ترین دشمنان خاندان حضرت علي (ع) در سال 42 هجری قمری در مصر به هلاکت رسید. عمرو عاص ابتدا از مخالفان دین اسلام بود اما در سال هشتم هجرت اسلام را پذیرفت و در چند مأموریت جنگی نیز شرکت کرد. از جمله این مأموریت‌ها می‌توان همراهی عمرو عاص با سپاه اسلام در سرزمینی در غرب رود اردن؛ تسخیر دمشق و فتح مصر را برشمرد. عمرو عاص پس از جنگ جمل به طرفداری از معاویه برخاست و در نبرد صفین هنگامی که امیرمؤمنان علي (ع) و یارانشان با پیروزی چندان فاصله‌ای نداشتند، دستور داد قرآن‌ها را بر سر نیزه‌ها کردند و با این حیلۀ عمرو عاص جنگ به نفع معاویه پایان یافت. پس از این پیروزی معاویه عمرو عاص را به فرماندهی عسکر گماشت و او تا زمان مرگ در این مقام بود.

درگذشت «محمد بن اسماعیل بخاری» در سال 253 هجری قمری

«محمد بن اسماعیل بخاری» از محدثان مشهور در سال 253 هجری قمری در قریه فرهنگ از توابع سمرقند درگذشت. بخاری برای کسب علم به خراسان، عراق، مصر، حجاز و سوریه سفر کرد و از علمای عصر حدیث شنید. وی که به امام بخاری مشهور است کتاب جامع صحیح معروف به صحیح بخاری را تألیف کرده است. صحیح بخاری از صحاح سه اهل سنت بشمار می‌رود و حاوی 9000 حدیث نبوی برگرفته از ششصد هزار حدیث است. مهمترین آثار امام بخاری در علم فقه است و از آن جمله «تاریخ کبیر» را می‌توان نام برد.

درگذشت «ابن دهان» نحوی، لغوی، مفسر، ادیب و شاعر در سال 569 هجری قمری

«ابن دهان» نحوی، لغوی، مفسر، ادیب و شاعر بغدادی در سال 569 هجری قمری بدرود حیات گفت. ابن دهان از مردم بغداد بود اما بعد از مدتی تحصیل در زادگاهش به اصفهان آمد و در محضر علمای این شهر دانش اندوخت. همچنین از کتابخانه‌های غنی اصفهان بهره برد. اگرچه ابن دهان در نحو به سیبویه عصر و یگانه دهر شهرت داشت، صاحب مکتبی خاص در علم نحو نبود و روش نحوی او همان مکتب بغداد است. ابن دهان قریحه شاعری هم داشت و شاگردان خود را نیز به سرودن شعر تشویق می‌کرد. گفتنی است که کتابخانه عظیم و ارزشمند ابن دهان بخش بر اثر طغیان آب رود دجله آسیب بسیار دید اما او برای احیای کتابهای ازدست رفته تلاشی طاقت فرسا کرد و عاقبت بینایی خود را ازدست داد. از آثار ابن دهان بخش کوچکی بصورت خطی باقیست که در زمینه شعر و ادب است.

درگذشت «امام فخر رازی» در سال 606 هجری قمری

819 سال پیش در چنین روزی - اول شوال سال 606 هجری قمری: «امام فخر رازی» حکیم و دانشمند گرانمایه ایرانی در سال 606 هجری قمری به دیارباقی شتافت. وی از علمای شافعی و جامع علوم منقول و معقول بود. امام فخر رازی در فقه و اصول، تفسیر، حکمت، کلام، علوم ادبی، تاریخ و فنون ریاضی دانشی درخور توجه داشت. وی همچنین به دو زبان فارسی و عربی مسلط بود و کتابهای متعدد نوشت. از مهمترین آثار امام فخر رازی «مفاتیح الغیب» را می‌توان نام برد.

آغاز کار مجلس شورای ملی فرانسه بنام کنوانسیون در سال 1792 میلادی

با الگای رژیم سلطنتی در فرانسه، مجلس شورای ملی بنام کنوانسیون در سال 1792 میلادی کار خود را آغاز کرد. پس از لغو سلطنت در فرانسه، نظام جمهوری در این کشور برقرار شد. اولین دوره جمهوری 12 سال بطول انجامید و شامل سه بخش بود: بخشهای جمهوری اول فرانسه بنام های «کنوانسیون، دیرکتوار و کنسولا در تاریخ فرانسه» معروفند.

تولد دکتر قوام نکرومه سیاستمدار و بانی استقلال کشور غنا در سال 1909 میلادی

دکتر قوام نکرومه سیاستمدار و بانی استقلال کشور غنا در سال 1909 میلادی بدنیا آمد. او در نهضت استقلال طلبانه مردم غنا شرکت کرد و پس از اولین انتخابات عمومی در این کشور به نخست وزیر رسید. در آن زمان نکرومه ریاست حزب ملی خلق غنا را برعهده داشت. اما در سال 1966 میلادی زمانی که قوام نکرومه سرگرم دیدار از کشور چین بود ژنرال ژوزف آنکرا در غنا کودتا کرد و دولت نکرومه سقوط کرد. غنا به ساحل طلا نیز معروف است.

استقلال سرزمین بلیز یا هندوراس در سال 1981 میلادی

سرزمین بلیز یا هندوراس از انگلستان استقلال سرزمین بلیز یا هندوراس در سال 1981 میلادی مستقل شد. این کشور از سال 1638 میلادی تحت سلطه انگلیس بود اما در سال 1862 میلادی تابع جامائیکا شد که خود مستعمره بود و در همین ایام قانون اساسی هندوراس وضع شد و مردم این کشور به خودمختاری داخلی دست یافتند. سرزمین بلیز پس از استقلال از انگلیس به عضویت سازمان ملل متحد درآمد.

استقلال کشور ارمنستان سال 1992 میلادی

ارمنستان استقلال سال 1992 میلادی یافت. این سرزمین بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مستقل و جزو کشورهای مشترک المنافع شد. دولت شوروی پس از انقلاب اکتبر 1917 میلادی دولتی بر ارمنستان حاکم کرد که از دولت مرکزی فرمان برد. ارمنستان در قرون مختلف تحت سلطه حکومت‌های مختلف بود. زمانی مادها و هخامنشیان بر ارمنستان حاکم بودند و زمانی هم این سرزمین تحت سلطه عثمانی ها بود.